

نابرابری‌های اجتماعی و افزایش نارضایتی‌ها؛ با تاکید بر استان قزوین

دکتر محسن جلیلوند^۱

فاطمه ربیعی^۲

چکیده:

انسان‌ها به دنبال تأمین نیازهای خویش همواره خود را با دیگر افراد جامعه قیاس نموده و به طور طبیعی خواهان حقوق برابر در جامعه می‌باشند و هرگاه خود را فاقد منزلت و شرایطی بدانند که به اعتقاد خودشان باید دارا باشند، آنگاه تلقی آنان این است که در جامعه شرایط برابر برایشان مهیا نبوده و در محرومیت بسر می‌برند در این صورت به دنبال برطرف نمودن نابرابری‌های موجود در جامعه خواهند بود. و اگر بسترهای قانونی در جامعه فراهم نباشد از ابزارهای برهم زننده امنیت سیاسی و اجتماعی برای احقاق حق پایمال شده خویش استفاده خواهند نمود. در اینجا لازم است این نکته را خاطر نشان کرد که وجود نابرابری در جامعه و حتی برداشت ذهنی نابرابری توسط برخی افراد جامعه بعنوان تهدیدی برای دیگر افراد جامعه که از شرایط ایده‌آل برخوردار هستند نیز بشمار آید. زیرا نابرابری و حتی احساس نابرابری به عنوان محرک‌های نامطلوب در جامعه محسوب می‌گردند. هرگاه ارزش‌های رفاهی، مادی و حتی اجتماعی خویش را در شرایط نابرابر احساس نمایند و خود را دچار برخی از ناکامی‌ها ببینند از رفتارهای نامطلوب بهره خواهند برد البته واکنش افراد نسبت به نابرابری بسته به نوع نابرابری متفاوت می‌باشد.

واژگان کلیدی: امنیت اجتماعی، نابرابری‌های اجتماعی، قشربندی اجتماعی، قزوین، نابرابری

فضایی

^۱ - استادیار و عضو هیئت علمی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، هشتگرد، البرز، ایران
Mohsen_Jalilvand@yahoo.com

^۲ - کارشناس ارشد علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، تاکستان، قزوین، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۲/۲۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۳/۱۵

مقدمه:

یکی از عواملی که امنیت سیاسی - اجتماعی داخلی هرکشوری را تحت تأثیر قرار می‌دهد نابرابری‌های اجتماعی می‌باشد، نابرابری اجتماعی به موقعیت‌های نابرابر بین افراد در جامعه اشاره دارد که می‌تواند سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، جنسیتی و .. باشد. اگر بنیان و ریشه نابرابری‌های اجتماعی را در شیوه توزیع ثروت ملی در بین افراد جامعه بدانیم، پدیده نابرابری شکلی اقتصادی به خود می‌گیرد. از سوی دیگر، اگر بنیان نابرابری را در رابطه بین انسان‌ها جستجو کنیم، پدیده‌ی نابرابری شکل سیاسی به خود می‌گیرد. (کمالی، ۱۳۷۹: ۶)

نابرابری که از بیرون بر فرد تحمیل می‌گردد از تبعیض‌آمیزترین نابرابری‌هاست و به پایگاه محول فرد مربوط می‌گردد. سن، جنسیت، قومیت، نژاد، رنگ، مذهب، زبان، طبقه فرد موجب می‌گردد تا فرد موقعیت‌های مختلف مادی، سیاسی و اجتماعی را در جامعه بدست آورده و یا از دسترسی به آنها محروم گردد. (ربانی، ۱۳۸۵: ۴) ارسطو علت مشترک و عمومی همه ستیزه‌ها، شورش‌ها و انقلاب‌ها را نابرابری و تلاش برای برابری می‌داند. «انقلاب، یا کار مردمی است که از دیگران فروترند و برابری می‌جویند و یا کار مردمی است که با دیگران برابرند و برتری می‌خواهند. چنین است زمینه احساسی و ذهنی مردمی که سر به عصیان برمی‌دارند».

(عنایت، ۱۳۸۱: ۸۴-۸۵) نابرابری درونی که بیشتر مختص جامعه مدرن است. ناشی از تقسیم کار اجتماعی در جامعه است. از آن حیث که استعداد افراد و توانایی آنان و نیز کارکرد و نقش هرکس در جامعه متفاوت است. به اقتضای این تفاوت از بهره‌های متفاوت مادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی برخوردار می‌گردد. که این نوع نابرابری اگر در مسیر صحیح هدایت شود و هرکس بتواند استعدادهای خود را در فضایی سالم شکوفا کند و همگان از حداقل شرایط و مواهب انسانی برخوردار باشند، عین عدالت است و این نوع نابرابری باید باشد تا جامعه بتواند بدینوسیله ادامه حیات بدهد. به طور کلی نابرابری چه از نوع بیرونی و چه از نوع درونی باشد به عنوان عاملی مهم و اثرگذار بر امنیت بشمار می‌آید که بایستی مورد توجه سیاستمداران قرار گیرد.

شاخص‌های تهدیدات امنیت اجتماعی

(۱) **تهدیدات کلان:** تهدیداتی می‌باشند که به طور غیرمستقیم در تأمین امنیت اجتماعی نقش ایفا می‌کنند و به صورت پنهان و ریشه‌ای هویت اجتماعات را از درون تحت تأثیر قرار می‌دهند. (کلاه چیان، ۱۳۸۲: ۱۴۵)

- حفظ زبان و ادبیات: زبان یک ملت، نظام معنایی یک جامعه بشمار می‌آید و ابزاری مهم برای حفظ و شکل‌گیری و انتقال هویت به شمار می‌آید. (تنهایی، ۱۳۷۴: ۴۲۷-۴۳۵) از آنجایی که به میزان حفظ زبان و تبعات آن، حفظ هویت جامعه امکان‌پذیر شده و امنیت اجتماعی تحقق می‌یابد و یا بالعکس تعلق در رواج کامل و تام زبان و ادبیات مکتوب، فرآیند هویت‌یابی افراد جامعه را آسیب‌پذیر نموده و آنها را در معرض خطرات و تهدیدات جدی قرار می‌دهد.

- لباس و نحوه پوشش: پوشاک به عنوان یک عنصر هویتی، بارزترین سمبل و سریع‌الانتقال-ترین نشانه هویتی است که به سرعت و به راحتی فکر، روح و اندیشه‌ی مصرف‌کننده را آشکار می‌سازد به گونه‌ای که می‌توان آن را به عنوان یکی از شاخص‌های امنیت که بیان بخشی از هویت جامعه را یدک می‌کشد در نظر آورد. (صارمی، بهمن ۱۳۷۸: ۷۷)

- آگاهی از تاریخ و گذشته: شکل‌گیری احساسات ریشه‌دار توده‌های مردم و تثبیت انگاره‌های جمعی در یک جامعه، نیازمند جریان‌های دراز مدت تاریخی است. بنابراین، خودآگاهی تاریخی و دلبستگی نسبت به تاریخ و تحولات گذشته هر جامعه سازنده وضعیت هویتی جامعه خواهد بود. (جمکینز، ۱۳۸۱: ۱۷۴) بدین ترتیب آگاهی از حوادث تاریخی و بازنگری آنان برای نسل حاضر از جمله شاخص‌های امنیت اجتماعی قلمداد می‌گردد.

- عادات، سنن و فرهنگ‌های جاری: آئین‌ها، مناسک و برخی از آداب و رسوم، نشان دهنده سطحی از زندگی است که طی سالیان متمادی، ساخته و پرداخته شده‌اند. این فرهنگ‌های جاری در واقع بخشی دیگری از هویت ما را پدیدار می‌کند؛ چرا که افراد را در یک‌سری اعمال و رفتارها که ریشه در گذشته دارد، پیوند زده است.

- اشاعه باورها و عقاید: میزان امکانات گروه‌ها برای بیان باورها و عقایدشان یکی از شاخص‌های امنیت اجتماعی بشمار می‌آید؛ چرا که به میزانی که گروه‌ها می‌توانند مبانی نظری و فکری خود را مطرح نمایند، به همین میزان به تقویت هویت خود پرداخته و با خطرات ناشی از فراموشی و سست شدن مبنای هویت جمعی می‌توانند مقابله کنند. (کونن، ۱۳۷۲: ۱۲۹-۱۳۴)

۴) تهدیدات خرد: با توجه به یکی از تعارف امنیت اجتماعی هرگاه اجتماع یکی از کارکردهای خود را از قبیل: تأمین نیازهای فیزیولوژیک، ایجاد ارتباط جمعی، دادن هویت فرهنگی خاص به اعضا، حفظ و حراست از بقای جامعه و ایجاد و حفاظت از همبستگی و انسجام اجتماعی را از دست بدهد امنیت اجتماعی مورد تهدید قرار گرفته است. این رویکرد تهدیدی، تحت عنوان

شاخص‌های تهدیدات خرد امنیت اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد. این شاخص‌ها به صورت مستقیم هویت اجتماعات را تحت تأثیر قرار می‌دهند. (کلاچیان، ۱۳۸۰: ۱۴۶-۱۴۸)

- افزایش جمعیت و رشد جامعه شهری: پدیدار شدن کلان شهرهای انبوهی که استقرار کلیه امکانات و وسایل رفاهی در آنان قرار گرفته باشد و مرکز نظام سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور باشد، سکنی‌گزینی غیر متعارف را به وجود می‌آورد که نتیجه‌ی آن، ورود سیل- آسای افراد جویای شغل، جایگاه اجتماعی و ... می‌باشد. که این موضوع ثبات اجتماعی مناطق را به هم ریخته و منجر به ناهمگونی جمعیت می‌گردد. (عطارزاده، ۱۳۷۸: ۶۶-۷۴)

- ذره‌ای و اتمی شدن افراد جامعه: افزایش جمعیت، گمنامی را در کلان شهرها بوجود آورده و ذره‌ای و اتمی شدن جمعیت را سبب می‌شود. که این موضوع تهدید شناخته شدن افراد را از بین برده در نتیجه گسترش مفاسد، جرایم و فعالیت‌های لمپنی گسترش می‌یابد. (رفیع پور، ۱۳۷۷: ۷۵-۷۹)

- شکاف طبقاتی: بالا رفتن سطح توقعات و عدم انطباق آن با امکانات جامعه که نتیجه‌اش نابرابری اجتماعی است، در عمل با تعریف امنیت اجتماعی که هدفش زندگی اعضای یک جامعه (با رعایت عدالت) است. مغایرت داشته و در سه حوزه‌ی رسمی (شغل، تحصیلات و درآمد) قابل اندازه‌گیری می‌باشد. (کریمانی، ۱۳۸۴: ۱۵۲)

- حاشیه‌نشینی: گسترش شهرها از کمربند حاشیه‌ای آنها شروع می‌شود که در برگیرنده افراد مهاجر، بیکار و دارای فرهنگ‌های مختلف می‌باشد که به مرور زمان پایبندی به فرهنگ خویش را از دست داده و فرهنگ‌های دیگر را جایگزین فرهنگ خویش می‌نمایند و هدفشان دستیابی به امتیازات مرکز می‌باشد. (حسین زاده، ۱۳۷۰: ۴۶-۴۵)

جهانی شدن و نابرابری های اجتماعی

محققان و اندیشمندان حوزه امنیت امروزه معتقدند که برای درک صحیح و تحقق کامل امنیت ملی باید ابعاد غیرنظامی و غیرفیزیکی امنیت، در کانون محاسبات مورد توجه قرار گیرد. زیرا بُعد نظامی توان تحلیل همه جانبه مسایل امنیتی جهان معاصر را ندارد. (دی و دیگران، ۱۳۸۰: ۱۷)

بنابراین می‌توان گفت در عصر حاضر امنیت، پدیده‌ای متأثر از مؤلفه‌های مختلف مادی- ذهنی به‌شمار می‌آید که با گذشت زمان و پیچیده‌تر شدن ساختار اجتماعات بشری، سطح وابستگی متقابل امنیتی بین انسان‌ها نیز بالاتر رفته طوری که اصطلاحاتی چون امنیت ملی، امنیت بین‌المللی و امنیت جهانی وارد حوزه مطالعات امنیتی گردیده که البته باید به این نکته اشاره

کرد که مفاهیمی از قبیل امنیت ملی و امنیت بین‌المللی ابعادی از قبیل: اقتصاد، محیط زیست و حقوق بشر را در بر نمی‌گرفت که این موضوع منجر به طراحی پارادایم جدیدی تحت عنوان "امنیت جهانی" گردید. (کریمی، ۱۳۹۰: ۲۷۱) کارل پاسپرس درخصوص امنیت جهانی در قرن بیست و یکم اینگونه بیان می‌دارد: «ما در آستانه تحول بزرگ تاریخی قرار داریم. دیگر آن جایی وجود ندارد؛ جهان به هم نزدیک شده است. یک زمین واحد داریم. در این فضا تهدیدات و فرصت‌های تازه رویدن گرفته است. تمام مسائل ما صبغه جهانی دارد. موقعیت فعلی ما، بشری است». (Albrow, 1998: 75)

امنیت انسانی

در عصر حاضر، امنیت به مفهوم سنتی آن به شدت متحول گردیده و ابزارهای تهدید دگرگون گشته و راه‌های مقابله با آن رویکردها، راهبردها و ابزارهای جدیدی می‌طلبند. در امنیت ملی هدف، مقابله با تهدیداتی است که معطوف به امنیت کشور و دولت می‌باشد. در حالی که در امنیت انسانی تمرکز اصلی بر حمایت از افراد است. (یزدان فام، ۱۳۸۸: ۴۶) در نگرش جدید، دولت به معنای سنتی آن مطرح نیست که در آن برخورداری از قدرت و کنترل امور، جوهره دولت را تشکیل می‌داد. در این دیدگاه، امنیت انسانی موضوع اصلی است که در آن، وظیفه دولت ایجاد بستری مناسب برای توسعه‌ی مناسب کشور است که در صورت ناتوانی در انجام آن، مشروعیت و موضوع دولت بودن آن با تردید روبرو می‌شود. به عبارت دیگر امنیت انسانی از لوازم یک «جامعه سالم» است (ویلکن، ۱۳۸۱: ۲۶) و بستر اصلی سلامت اجتماعی را شکل می‌دهد که اگر سلامت اجتماعی را در غایت برنامه‌های رفاهی خود، رضامندی از زندگی در نظر بگیریم، قطعاً بدون تحقق امنیت در ابعاد مختلف چنین هدفی میسر نخواهد شد.

تحلیل‌گران معتقدند امنیت از منظر نوین، تهدیداتی مانند گرسنگی، بیماری، ناتوانی و «همه دیگر انواع مخاطرات - از ورشکستگی گرفته تا بیکاری» - را جدی قلمداد نموده. کن بوث در این زمینه می‌گوید «رهای، آزاد کردن مردم (چه افراد و چه گروه‌ها) از محدودیت‌های فیزیکی و انسانی است که آنها را از انجام آنچه آزادانه انتخاب می‌کنند باز می‌دارد. امنیت راستین، زاده رهایی است نه قدرت و نظم، از لحاظ نظری، رهایی همان امنیت است». (تریف و دیگران، ۱۳۸۱: ۴۶) در رویکرد جدید امنیتی، امنیت افراد از جایگاه والایی برخوردار بوده و به عنوان حقوق اولیه انسانی محسوب می‌گردد که باید به هر طریقی تأمین شود. واحد امنیت؛ دولت ملی نمی‌باشد بلکه انسان‌ها ارزش ذاتی دارند. امنیت انسان‌ها از کانال دولت ملی عبور نمی‌کند، بلکه دولت ملی

برای تأمین امنیت انسان‌ها به وجود آمده است. اصل اساسی، برقراری امنیت برای مردم است. و معیار ارزیابی دولت، میزان موفقیت آن در تأمین امنیت برای افراد است و هرچه قدر دولت امنیت بیشتری را برای افراد جامعه‌اش فراهم نماید دولت موفق‌تری به حساب می‌آید. (بدیعی، ۱۳۸۷: ۱۰۳) در این نگرش نگاه به مرجع امنیت و رشد اقتصادی متفاوت است. رشد اقتصادی برای رهایی افراد از فقر و نیاز، ضرورت امنیت انسانی است. که البته باید رشد اقتصادی با لحاظ کردن همه ابعاد انسانی از جمله محیط زیست باشد. لطمه‌ای به سایر جنبه‌های امنیت انسانی وارد نسازد و منجر به گسترش نیاز در بخش‌های دیگر جامعه نگردد. (یزدان فام، ۱۳۸۸: ۱۶-۱۷)

در کل ویژگی اصلی موارد مورد بحث امنیتی جدید عبارت است از منفعت احیاء شده در مسائل و موضوعات هنجاری، بدین ترتیب وضعیت انسانی مورد توجه فراوانی قرار گرفته که از این رو نشان دادن علل ریشه‌های ناامنی انسانی بیشتر از پیامدهایش و نیز ایجاد امنیت انسانی بیش از امنیت اهمیت می‌یابد. (بدیعی، ۱۳۸۹: ۱۰۴)

کاهش نابرابری در جمهوری اسلامی

ضریب جینی به عنوان شاخص توزیع درآمد بین اقشار جامعه و در دوره‌های مختلف بدین- ترتیب مورد تحلیل قرار می‌گیرد. با پیروزی انقلاب اسلامی و توجه ویژه نظام به این امر، ضریب جینی از سال ۱۳۵۷ رو به بهبود گذاشت، به طوری که در سال ۱۳۵۹ به ۰/۳۹۸۴ و در سال ۱۳۶۴ و ۱۳۶۵ در اوج جنگ تحمیلی و فشارهای اقتصادی ناشی از تحریم اقتصادی دشمن علیه نظام اسلامی، به ترتیب به ۰/۳۹۱۰ و ۰/۳۹۴۴ رسید و در سال ۱۳۸۳ نیز به ۰/۳۹۹۶ رسید. اما روند مجموعاً رشد یافته ضریب جینی در مقایسه با سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۶ این شاخص را که حداقل در ۱۳ سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ۶ سال در دوره هاشمی رفسنجانی و ۴ سال در دوره آقای خاتمی به عدد زیر ۰/۴ رسیده بود و می‌توانست در طی این سه سال نیز در همین سقف حفظ شود، متأسفانه به عددی کمی بالاتر از ۰/۴ رشد پیدا کرد. لازم به توضیح است که شاخص مذکور در همین سال‌ها نیز هر چند در سال ۱۳۸۴ از ۰/۳۹۹۶ به ۰/۴۰۱۰ افزایش داشت، اما در سال ۱۳۸۵ مجدداً بهبود یافته و به عدد ۰/۴۰۰۴ کاهش یافت و متأسفانه در سال ۱۳۸۶ با جهش ۴ صدم درصد به عدد ۰/۴۰۴۵ رسید که البته در یک مقایسه منصفانه می‌توان متوسط این شاخص در سه سال اول دولت دکتر احمدی‌نژاد را برابر دانست با متوسط سه سال اول دولت هاشمی رفسنجانی، اما در مقایسه با متوسط سه سال آخر دولت هاشمی

رفسنجانی افزایش نامطلوب داشته است. همچنین این شاخص در سه سال اول دولت دکتر احمدی‌نژاد در مقایسه با سه سال اول و سال آخر دولت آقای خاتمی، افزایش نامطلوب داشته، اما در مقایسه متوسط سه ساله با متوسط سه ساله آخر دولت آقای خاتمی کاهش یافته و در وضعیت مطلوب‌تری قرار دارد. (donya-e-eqtasad)

نابرابری‌های اجتماعی در قزوین

۱- نابرابری اقتصادی

نابرابری اقتصادی براساس درآمد سالیانه و یا میزان ثروت (دارایی) یک شخص و یا یک خانواده سنجیده می‌شود. که مهمترین شاخص جهت بررسی این نوع نابرابری، بررسی نابرابری درآمدی می‌باشد جهت بررسی کمی نابرابری توزیع درآمد در یک جامعه همانطور که شاخص‌ها و روش‌های مختلف و متفاوتی وجود دارد. که ضریب‌جینی، منحنی لورنز از متداول‌ترین روش‌های ممکن برای تحلیل توزیع درآمد می‌باشد ولی دستگاه‌های ذریبط در دهه اخیر نسبت به محاسبه ضریب جینی و رسم منحنی لورنز اقدامی ننموده و در نتیجه هیچگونه اطلاعاتی در این خصوص در استان موجود نمی‌باشد لذا تحلیل توزیع درآمد استان براساس شاخص‌های مذکور مقدور نمی‌باشد. بنابراین برای تحلیل توزیع درآمد استان قزوین از روند تغییرات درآمد در سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹ را براساس منابع تأمین درآمد در دو بخش شهری و روستایی استفاده شده است.

تحلیل روند تغییرات درآمد استان قزوین در بخش روستایی از سال ۱۳۸۰ لغایت ۱۳۸۹
 روند درآمد در بخش روستایی طی سال‌های ۱۳۸۰ الی ۱۳۸۹ نشانگر این است که سهم درآمد حاصل از حقوق‌بگیری طی سال‌های ذکر شده دارای نوسان بوده ولی در یک مقایسه کلی، درآمد حاصل از حقوق‌بگیری در سال ۱۳۸۹ نسبت به سال ۱۳۸۰ دارای کاهش در سهم بوده است. سهم درآمد حاصل از مشاغل آزاد نیز طی این سال‌ها ۱۳۸۰-۱۳۸۹ دارای نوسان بوده و تا سال ۱۳۸۲ دارای روند افزایشی بوده ولی در یک نگاه کلی در سال ۸۹ نسبت به سال ۱۳۸۰ دارای کاهش بوده است به گونه‌ای که از سهم ۴۱/۶۲ در سال ۱۳۸۰ به ۳۷/۳۰ درصد در سال ۱۳۸۹ رسیده است. سهم درآمدهای متفرقه که شامل درآمدهای پولی و غیرپولی می‌باشد نیز طی این سال‌ها دارای نوسان بوده ولی از سال ۱۳۸۳ به بعد دارای افزایش بوده است به طوریکه از سهم ۲۲/۸۵ درصد در سال ۱۳۸۰ به سهم ۳۱/۴۲ درصد در سال ۱۳۸۹ رسیده است.

در کل درآمدهای حاصل از مشاغل آزاد از سال ۱۳۸۵ به بعد نسبت به دو بخش درآمدی، بیشترین سهم را به خود اختصاص داده که در جدول ذیل توزیع درآمد روستایی طی سال‌های ۸۰ الی ۸۹ براساس منابع تأمین درآمد آورده شده است.

در مجموع اگر میزان کل ارزش‌های مورد نیاز مردم در جامعه زیاد باشد، اما نحوه توزیع آنها طوری باشد که برخی از افراد بیش از نیازشان آنها را در اختیار گیرند و برخی دیگر به اندازه رفع نیاز خویش به آن دست یابند در این صورت توزیع نابرابر در جامعه وجود داشته و همیشه آتشی زیر خاکستر زبانه می‌کشد و هستی جامعه را تهدید خواهد کرد بنابراین توزیع مناسب ثروت، درآمد و امکانات از مهمترین وظایف دولت بشمار می‌آید که با اتخاذ قوانین و مقررات درست و منطقی می‌تواند آنها را مهار نماید. (نقیب‌زاده، ۱۳۸۰: ۲۷۹) زیرا نامتعادل شدن توزیع درآمد سبب وقوع برخی از جرایم از قبیل سرقت و... می‌گردد که امنیت اجتماعی را مورد تهدید قرار خواهد داد.

روستایی										نوع درآمد
۷۴۳۵۲۹۹۵	۳۱.۴۲	۲۳۳۵۸۸۸۷	۳۷.۰۳	۲۷۷۳۵۶۳۷	۳۱.۲۸	۲۳۲۵۸۴۷۰	۱۳۸۹			
۶۱۴۷۷۴۹۱	۳۱.۷۲	۱۹۴۹۸۷۵۸	۳۳.۱۸	۲۰۳۸۵۷۱۱	۳۵.۱۵	۲۱۵۹۳۰۲۲	۱۳۸۸			
۵۴۴۵۷۶۶	۳۳.۳۲	۱۸۸۱۴۰۹۷	۳۷.۴۵	۲۱۱۴۹۲۰۸	۲۹.۲۳	۱۶۵۰۲۴۶۱	۱۳۸۷			
۵۳۱۲۹۰۱۵	۲۹.۱۳	۱۵۴۷۸۵۴۶	۴۲.۸۰	۲۲۷۴۱۸۶۹	۲۸.۰۷	۱۴۹۱۸۶۰۰	۱۳۸۶			
۴۴۲۴۹۸۸۴	۲۶.۸۴	۱۱۸۷۴۹۸۸	۴۴.۹۹	۱۹۹۰۶۸۵۸	۲۸.۱۷	۱۲۴۶۵۰۳۸	۱۳۸۵			
۳۵۷۲۸۲۴۸	۲۶.۲۶	۹۳۸۱۰۰۳	۳۴.۸۸	۱۲۴۶۱۹۶۸	۳۸.۸	۱۳۸۸۵۳۷۷	۱۳۸۴			
۳۰۳۹۸۹۳۲	۲۰.۴۹	۶۲۲۹۲۳۲	۴۲.۵۴	۱۲۹۰۵۹۰	۳۶.۹	۱۱۲۳۹۱۱۰	۱۳۸۳			
۲۳۸۲۳۲۶۰	۲۴.۶۳	۵۸۷۰۲۹۴	۴۴.۶۴	۱۰۶۴۰۰۷۰	۳۰.۷۳	۷۳۲۲۹۰۶	۱۳۸۲			
۱۸۶۶۳۳۲۹	۲۴.۴۹	۴۵۲۳۳۰۵	۴۴.۲۲	۸۱۶۳۸۱۸	۳۱.۲۹	۵۷۷۷۲۰۶	۱۳۸۱			
۱۴۹۵۸۹۹۷	۲۲.۸۵	۳۴۱۷۶۰۲	۴۱.۶۲	۶۲۲۵۹۹۹	۳۵.۵۳	۵۳۱۵۳۹۶	۱۳۸۰			
∑	سهام در کل (درآمد(درصد)	درآمدهای متفرقه	درآمد(درصد) سهام در کل	درآمد حاصل از مشاغل آزاد	درآمد در کل سهام در کل	درآمد حاصل از سهام در کل	حقوق بگیری	درآمد حاصل از حقوق بگیری		

مأخذ: مرکز آمار ایران، نتایج تفصیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری ۱۳۸۹

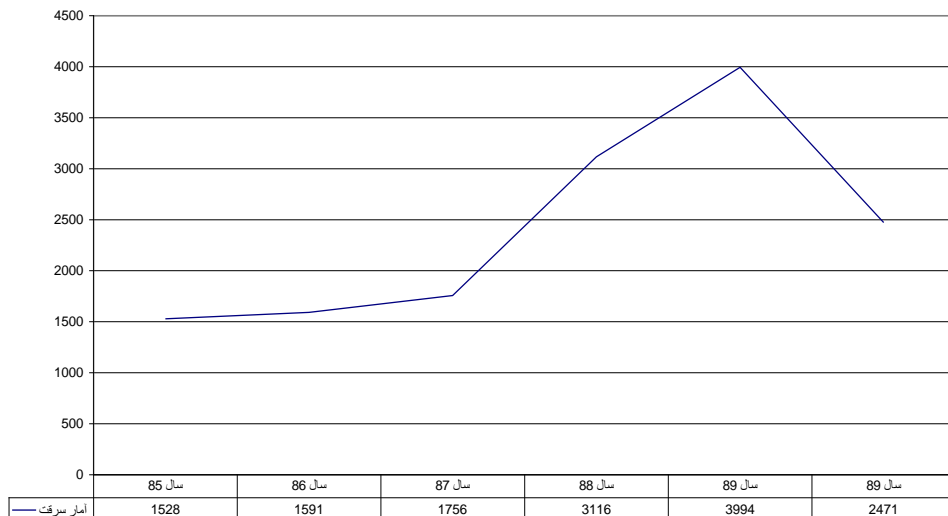
تأثیر نابرابری‌های اقتصادی بر جرایم اجتماعی (تهدیدات امنیت اجتماعی)

به دلیل ارتباط بین ساختار اقتصادی و امنیت و تأثیر مستقیم و غیرمستقیم کژ کارکردهای اقتصادی بر ایجاد و افزایش آمار جرایم اجتماعی و انگیزه‌های اقتصادی مجرمین برای رفع نیازهای اقتصادی و از بین بردن تبعیض و نابرابری‌های ناشی از عملکرد بد ساختارهای اقتصادی بُعدی از ابعاد تحقیق حاضر است در این قسمت با تحلیل آمار جرایم مرتبط با حوزه اقتصادی که شامل سرقت که مستقیماً در راستای بدست آوردن پول و نیازهای اقتصادی است، نزاع و درگیری‌ها که عمدتاً به دلیل مسایل اقتصادی و منابع اقتصادی از جمله آب و زمین رخ می‌دهد، رابطه نامشروع که بخش عمده‌ای از آن برای رفع نیاز اقتصادی است، مشروبات الکلی که قاچاق و خرید و فروش آن در راستای کسب درآمد رخ می‌دهد و خرید و فروش مواد مخدر که تنها دلیل آن را می‌توان در مسایل اقتصادی جستجو نمود و استعمال مواد مخدر که عمده دلیل آن بر اثر فشارهای اجتماعی ناشی از بیکاری، فقر و حاشیه‌نشینی است.

سرقت

براساس آمارهای بدست آمده در استان قزوین در طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ به ترتیب ۱۵۲۸ فقره، ۱۵۹۱ فقره، ۱۷۵۶ فقره، ۳۱۱۶ فقره، ۳۹۹۴ فقره و ۲۴۷۱ فقره سرقت در سطح استان رخ داده که این آمار برای سال‌های مذکور به ترتیب به ازاء هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت به ترتیب ۱۳۳ فقره، ۱۳۹ فقره، ۱۵۴ فقره، ۲۷۲ فقره، ۳۴۹۸ فقره و ۲۱۶ فقره بوده است. با توجه به ساختار صنعتی و کشاورزی بودن استان قزوین بخشی از این سرقت‌ها از مراکز صنعتی و بخشی از آن نیز به سرقت احشام اختصاص دارد. تبعیض و شکاف طبقاتی در سطح استان، وجود مناطق حاشیه‌نشین و خانوارهای فقیر در برخی از مناطق شهری استان از جمله دلایل بروز سرقت می‌باشد.

آمار سرقت

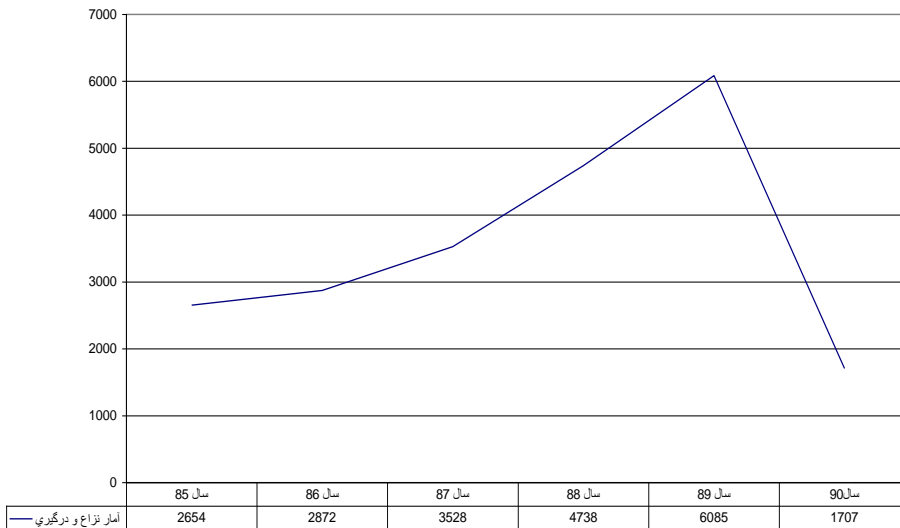


نمودار روند سرقت طی سال‌های ۸۵ الی ۹۰

نزاع و درگیری

یکی از جرایم مرتبط با مسائل اقتصادی نزاع و درگیری است که غالباً به صورت دسته‌جمعی رخ می‌دهد. براساس آمارهای بدست آمده از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ در سطح استان به ترتیب ۲۶۵۴، ۲۸۷۲، ۳۵۲۸، ۴۷۳۸، ۶۰۸۵ و ۱۷۰۷ مورد نزاع و درگیری رخ داده است که به ازاء هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت در استان این آمار به ترتیب در طی سال‌های مذکور ۲۳۲، ۲۵۱، ۳۰۸، ۴۱۴، ۵۳۲ و ۱۴۹ مورد بوده است. نزاع و درگیری در مناطق روستایی استان عمدتاً بر سر منابع اقتصادی از جمله زمین و آب بوده است و در مناطق شهری نیز عمده دلیل نزاع‌ها به دلیل فشارهای اقتصادی- اجتماعی ناشی شده است.

آمار نزع و درگیری

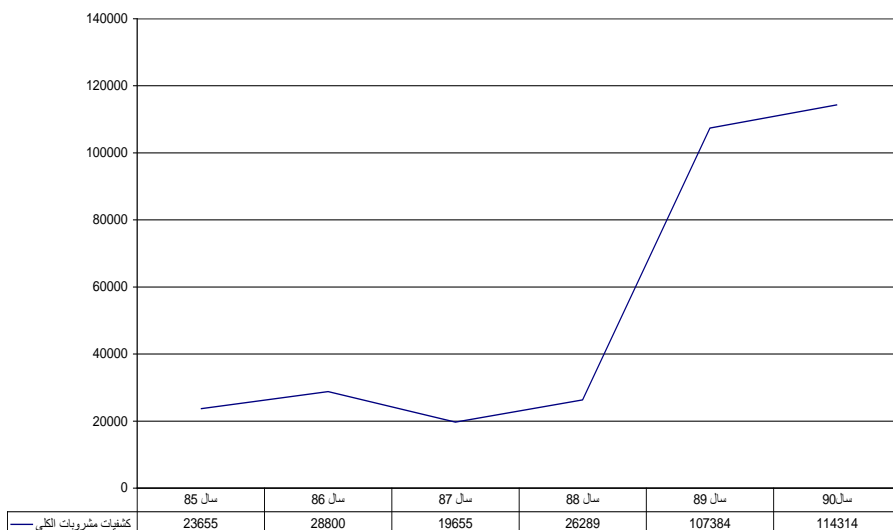


نمودار روند نزع و درگیری طی سال‌های ۸۵ الی ۹۰

کشفیات مشروبات الکلی

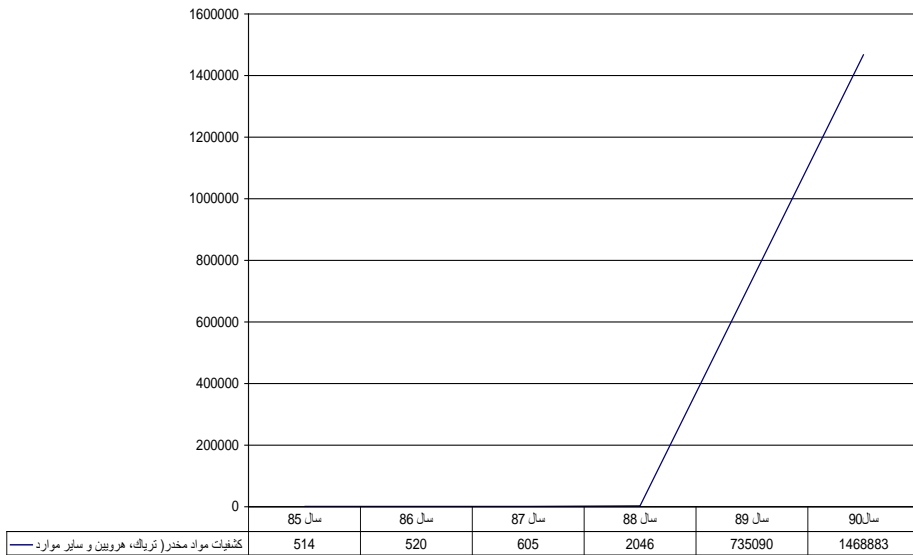
اگر چه استان قزوین از زمان‌های دور به عنوان یکی از مناطق مذهبی ایران شناخته شده است اما قرار گرفتن استان در شاهراه ارتباطی شمال- غرب و مرکز کشور و نزدیکی به پایتخت باعث شده تا برخی از جرایم که نیاز به ترانزیت دارند نظیر قاچاق کالا، مواد مخدر و مشروبات الکلی در استان افزایش داشته باشد. براساس آمارهای بدست آمده طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ در استان به ترتیب ۲۳۶۵۵، ۲۸۸۰۰، ۱۹۶۵۵، ۲۶۲۸۹، ۱۰۷۳۸۴ و ۱۱۴۳۱۴ لیتر مشروبات الکلی کشف شده که این میزان به ازاء هر ۱۰۰ هزار نفر به ترتیب ۲۱۰۰، ۲۵۲۰، ۱۸۰۰، ۲۳۰۰، ۹۵۰۰ و ۱۰۰۰۰ لیتر می‌باشد. همانطور که آمارها نیز نشان می‌دهند سالیانه بر میزان کشفیات افزوده شده و چنانچه این فرض را بگیریم که این میزان کشفیات تنها ۵۰ درصد از کل مشروبات قاچاق شده است در سال ۹۰ به ازاء هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت استان ۲۰ هزار لیتر مشروب در استان کشف شده است. در نمودار زیر کشفیات مشروبات الکلی طی سال‌های ۸۵ الی ۹۰ به نمایش درآمده است.

کشفیات مشروبات الکلی



کشفیات مواد مخدر

قاچاق مواد مخدر نیز از جمله جرایمی است که هم به صورت گروهی و شبکه‌ای و هم به صورت فردی عمده زیادی از افراد را درگیر کرده است. براساس آمار بدست آمده طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ به ترتیب در استان ۵۱۶، ۵۲۰، ۶۰۵، ۲۰۴۶، ۷۳۵۰۹۰، ۱۴۶۸۸۸۳ کیلوگرم انواع مخدر کشف شده است. همانطور که آمار نیز نشان می‌دهند در طی دو سال گذشته میزان کشفیات مواد مخدر در مقایسه به سال‌های گذشته چندین برابر افزایش داشته که دلیل عمده آن عبارتند از تلاش بیشتر نیروی انتظامی و افزایش فعالیت گروه‌ها و شبکه‌های توزیع مواد مخدر در استان بوده است. که در نمودار زیر موضوع فوق به نمایش درآمده است.



سواد و آموزش

براساس سرشماری نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ درصد با سوادی به ترتیب برای مردان ۸۶/۲ و ۸۹/۷ درصد برای زنان ۷۶/۴ و ۸۱/۵ درصد بوده است. درصد با سوادی مردان در نقاط شهری ۹۰/۵ و ۹۳ درصد و برای زنان شهری ۸۲/۸ و ۸۹/۲ درصد بوده است. این درصد برای مردان روستایی ۸۰/۲ و ۸۲/۷ درصد برای زنان روستایی ۶۷/۹ و ۷۱/۷ درصد بوده است. آمارهای فوق نشان می‌دهد که درصد باسوادی اگرچه برای هر دو جنسیت در طی دوره ده ساله ۷۵-۸۵ رو به افزایش بوده است اما همچنان درصد با سوادی زنان به مردان کمتر بوده است. (سالنامه آماری استان قزوین سال ۱۳۸۹، دی ۱۳۹۰، ۷۶) مطابق آمار فوق میزان رشد با سوادی در زنان در سال ۱۳۸۵ نسبت به سال ۱۳۷۵ در مقایسه با مردان بیشتر می‌باشد که این به معنی کاهش تبعیض در زمینه‌ی سواد می‌باشد.

نابرابری فضایی

یکی از عمده‌ترین شاخص‌های بررسی نابرابری، نابرابری فضایی و جغرافیایی است. براساس قوانین تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری، کشور ایران به سطوح مختلف تقسیمات نظیر استان، شهرستان، بخش و دهستان تقسیم شده است که متأسفانه در هر یک از سطوح فوق‌الذکر

امکانات و خدمات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بنا بر مصلحت‌هایی در مناطق خاصی متمرکز گردیده است.

مهاجرت

مهاجرت از جمله مسایل اجتماعی است که ارتباط متقابل و شدیدی با مباحث اساسی سیاسی- اجتماعی از جمله توسعه و نابرابری دارد. مهاجرت از دو جنبه مهاجرت بیرونی و یا مهاجرت درونی و مهاجرت به درون منطقه‌ای قابل بررسی است. علل مهاجرت متفاوت است. مهاجرت با بیکاری، فقر عمومی، امکانات شهری، کسب پایگاه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، رشد سریع جمعیت و محدودیت زمین‌های کشاورزی و تفاوت درآمد بین ساکنین شهری و روستایی در ارتباط می‌باشد. قطعاً مناطق مهاجرفرست دارای شرایطی هستند که افراد تاب و تحمل زندگی در آنجا را ندارند یا برای دستیابی به زندگی بهتر از آنجا خارج می‌شوند. از سوی دیگر مناطق مهاجرپذیر دارای شرایطی هستند که یا به طور واقعی و یا به طور کاذب افراد مهاجر فکر می‌کنند می‌توانند در آنجا به آرزوهای خود برسند. (مشهدی‌زاده، ۱۳۷۳: ۱۱۲) مهاجر در ابتدا به دنبال درآمد است و در عین حال به دنبال سرپناه و امرار معاش تا بتواند نیازهای اساسی و اولیه خود را تأمین نماید. همبستگی اجتماعی برای جمعیت‌های فقیر و مهاجر بسیار اساسی و حیاتی می‌باشد ولی از آنجا که در مناطق مهاجرنشین و حاشیه‌نشین، نرخ بیکاری و آفت تحصیلی زیاد است مشکل می‌توانند به همبستگی اجتماعی دست یابند. (ربانی، ۱۳۸۵: ۱۴) براساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ از کل جمعیت ۷۰ میلیونی کشور ۱۷/۲۳ درصد در طی دوره ۱۰ ساله ۸۵-۷۵ محل زندگی خود را تغییر داده‌اند که این درصد در استان قزوین ۱۹/۶۴ درصد است که از میانگین کشوری بالاتر است. شهر قزوین در دهه‌ی گذشته با توجه به قرار گرفتن به عنوان مرکز استان با تغییرات جمعیتی گسترده‌ای در شهر و پیرامون آن مواجه شده است. رشد شتابان جمعیت و مهاجرت‌ها در شهرهای پیرامونی قزوین مانند الوند، محمدیه، اقبالیه، محمودآباد نمونه، بیدستان، شهر صنعتی البرز و... ناهنجاری‌های گوناگونی را از نظر اجتماعی ممکن کرده است. تأمین مسکن، اشتغال و امکانات کاری به علت افزایش جمعیت و هجوم گسترده‌ی مهاجرین به مجموعه‌ی شهری قزوین بسیار دشوار گردیده است.

اما این پایان کار نیست شاخص‌های دیگر نشان می‌دهند که استان قزوین علاوه بر مهاجر پذیری دارای موقعیت‌های خاص دیگری می‌باشد. در حالیکه میانگین کشوری برای مهاجرین روستایی به شهر در درون شهرستان ۳/۲۲ است در استان این درصد ۴ است. و در حالیکه درصد

مهاجرت از روستاهای سایر شهرستان‌ها برای کشور ۷۹٪ درصد است در استان قزوین ۹۵٪ درصد می‌باشد. در جدول ذیل وضعیت مقایسه‌ای شاخص‌های مهاجرت بین استان و کشور آورده شده است.

شاخص	درصد کل کشور	درصد استان قزوین
درصد مهاجرین در سال ۸۵	۱۷/۲۳	۱۹/۶۴
درصد مهاجرین شهری شهرستان‌های استان	۲/۳۲	۳/۴۹
درصد مهاجرین روستایی شهرستان‌های استان	۳/۲	۴
درصد مهاجرین شهری سایر شهرستان‌های استان	۳/۶۱	۲/۵۵
درصد مهاجرین روستایی سایر شهرستان‌ها - های استان	٪۷۹	٪۹۵
درصد مهاجرین شهری از سایر استان‌ها	۵/۹۵	۷/۰۶
درصد مهاجرین روستایی از سایر استان‌ها	٪۸۱	۱/۴
درصد مهاجرین از خارج از کشور	٪۳۶	٪۱۹
اظهار نشده	٪۱۴	٪۰۱

مأخذ: سالنامه‌ی آماری کشور ۱۳۸۹

همانطور که آمارها نشان می‌دهند اولاً استان قزوین، استانی مهاجرپذیر است ثانیاً درصد مهاجرین شهری از سایر استان‌ها در استان قزوین بالاست.

آمارهای فوق‌الذکر اولین شاخص‌های نابرابری اقتصادی- اجتماعی را در استان قزوین هویدا می‌سازند و آن این است که استان قزوین دارای یک منطقه‌ی خاص و شرایط ویژه است که افراد از سایر استان‌های کشور به ویژه در طی ۱۰ سال گذشته از استان‌های غربی و گردنشین کشور به این نقطه مهاجرت کرده‌اند پدیده‌ای که در دهه گذشته متعلق به استان‌های شمالی کشور به ویژه استان گیلان بوده است. مقصد اصلی مهاجرین در دهه‌های گذشته تصدی پست‌های کارگری

و خدماتی در صنایع استان بوده است اما در دهه اخیر مهاجرین گُرد درصد دستیابی به مشاغل خدماتی غیر رسمی، مشاغل فصلی و موقتی بوده‌اند. اکثر مهاجرین دهه‌های گذشته در شهر قزوین و حاشیه‌های آن سکونت پیدا کرده‌اند اما مهاجرین دهه اخیر مستقیماً به شهرها و شهرک‌های و حاشیه‌ای قزوین و حتی روستاهای اطراف قزوین از جمله ناصرآباد، کورانه، حمیدآباد، نصرت‌آباد، چوبیندر و وثوق‌آباد رفته و در آنجا سکونت یافته‌اند و اغلب به شغل‌های کاذب از قبیل دست‌فروشی و... تن در داده‌اند و به سختی امرار معاش می‌کنند و از این طریق مشاغل غیررسمی را در شهرها افزایش داده‌اند. از جمله تحولاتی که مهاجرت به شهر قزوین و پیرامون آن ایجاد کرده است ایجاد قشربندی اجتماعی در شهر قزوین و شهرهای پیرامونی آن است. که نمونه بارز این پدیده در محلات مینودر و کوثر که شهرک‌های تازه ساخته در شمال شهر قزوین هستند قابل مشاهده می‌باشد. این محلات با مهاجرت انبوهی از مهاجرین و افراد تازه وارد روبرو می‌باشد که اکثرشان از نظر نژاد، فرهنگ و نوع اشتغال و ... متفاوت می‌باشند.

بررسی علل و انگیزه‌های نارضایتی در استان

علل و انگیزه‌های نارضایتی طی سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۸۵ با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در طی ۴ سال مورد بررسی جمعاً ۶۶۳ مورد نارضایتی گزارش شده است که از این تعداد ۴۷۰ مورد (۷۰/۸ درصد) از آنها علل و انگیزه اقتصادی داشته است. ۱۲۶ مورد (۱۹ درصد) علل و انگیزه‌های اجتماعی داشته و ۶۷ مورد (۱۰/۲ درصد) نیز به دلیل فرهنگی روی داده است. همانطور که آمارها نیز نشان می‌دهند بیش از ۷۰ درصد از نارضایتی‌ها ریشه اقتصادی داشته که بخش عظیمی از آنها مربوط به عدم پرداخت حقوق کارگران واحدهای صنعتی می‌باشد. در جدول ذیل توزیع فراوانی و درصدی نارضایتی‌ها برحسب انگیزه‌ی نارضایتی آورده شده است.

درصد	جمع	سال ۸۵	سال ۸۶	سال ۸۷	سال ۸۸	علل و انگیزه‌ی نارضایتی
۷۰/۸	۴۷۰	۷۸	۵۸	۹۱	۲۴۳	اقتصادی
۱۹	۱۲۶	۱	۱۲	۹۸	۱۵	اجتماعی
۱۰/۲	۶۷	---	۲	---	۶۵	فرهنگی
۱۰۰	۶۶۳	۷۹	۷۲	۱۸۹	۳۲۳	جمع

بررسی نارضایتی برحسب اقشار ناراضی در استان

باتوجه به گزارشات دریافتی در طی ۴ سال در مجموع ماهیت اقشاری ۳۷۸ مورد از اعتراضات

مشخص شده که از این تعداد ۳۷۵ مورد (۹۴/۵ درصد) آن مربوط به کارگران بوده و ۲۱ مورد (۵/۵ درصد) نیز مربوط به اصناف و مشاغل خدماتی بوده است. با توجه به اینکه استان قزوین یکی از قطب‌های صنعتی کشور محسوب می‌شود و در حال حاضر نیز صنایع با بحران و بدهی‌ها دست و پنجه نرم می‌کند این امری طبیعی است که بیش از ۹۴ درصد از اعتراضات و ناراضی‌های اجتماعی به قشر کارگران و اعتراضات کارگری اختصاص داشته باشد. ضمن اینکه در ۲۱ مورد دیگر نیز که به اصناف تعلق دارد نیز می‌توان رگه‌هایی از نابرابری اقتصادی-اجتماعی را جستجو نمود. در جدول ذیل توزیع فراوانی و درصدی ناراضی‌ها برحسب اقشار ناراضی آورده شده است.

قشر ناراضی	سال ۸۸	سال ۸۷	سال ۸۶	سال ۸۵	جمع	درصد
کارگران	۱۴۲	۸۷	۵۸	۷۰	۳۵۷	۹۴/۵
اصناف	۷	۱۲	۰	۲	۲۱	۵/۵
جمع	۱۴۹	۹۹	۵۸	۷۲	۳۷۸	۱۰۰

نتیجه‌گیری:

همانطور که بیان گردید امنیت به عنوان مهم‌ترین بستر و زمینه لازم برای برخورداری از زندگی مناسب و رشد و توسعه جامعه‌ی بشری محسوب می‌گردد. طوریکه ایجاد، حفظ و گسترش آن اولین و مهم‌ترین دغدغه انسان‌ها بوده است. بنابراین تأمین آن در ابعاد مختلف ملی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، جهانی، انسانی و مجازی یکی از شرایط تداوم و بقاء در نظام جهانی بشمار می‌آید. در عصر حاضر با توجه به مسئولیت دولت‌ها در تأمین رفاه شهروندان موضوعاتی از قبیل رهایی از فقر، رهایی از نابرابری، مبارزه با انواع معضلات جامعه نظیر مواد مخدر، بیماری‌های فراگیر، حفظ محیط زیست، کامیابی و احساس امنیت ذهنی مردم به عنوان ابعاد جدید امنیت مورد توجه سیاستمداران قرار گرفته است زیرا معضلات امنیتی برخلاف گذشته صرفاً به تهدیدات نظامی و خارجی اطلاق نمی‌گردد، بلکه با توسعه ارزش‌های بشری، هر عاملی که جامعه را از رسیدن به ارزش‌های مطلوب باز دارد به عنوان یک موضوع و معضل امنیتی شناخته می‌شود. امروزه مقوله جهانی شدن و همگون شدن آرزوها در سطح جهان، دلیلی برای افزایش احساس نابرابریها گردیده که می‌تواند تهدیدی جدی برای امنیت به حساب آید. زیرا درصد اندکی از مردم در این بین توانسته‌اند از نظر پوشش، خوراک و اندیشه با موج جهانی همگون گردند و عده کثیری به حاشیه رانده شده و به گونه‌ای قربانیان خاموش این

فرآیند گردیده‌اند. زیرا تحرک سرمایه و نابرابری اقتصادی در این عصر سبب چند پاره شدن جامعه‌ی بشری گردیده و عدالت اجتماعی معنای خود را از دست داده و نابرابری در عرصه جهانی استمرار یافته است. این موضوع در کشورهای در حال توسعه بیشتر به چشم می‌خورد و به عنوان تهدیدی برای نظم و امنیت اجتماعی، سیاسی بشمار می‌آید. دولت‌ها برای از بین بردن معضلات و مشکلات مُخل امنیت در کشورهای در حال توسعه می‌بایست از ابزارهای نیل به اهداف توسعه در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی از پتانسیل نهادهای مردمی بهره‌مند گردند.

افراد جامعه هنگامی که نابرابری را امری طبیعی قلمداد نمایند برای رفع آن به خشونت متوسل نمی‌گردند و تهدیدی برای امنیت به شمار نمی‌آیند ولی هنگامی که این موضوع را برخاسته از ساختارهای اجتماعی تلقی نمایند و تصور کنند که از طرف جامعه به آنها تحمیل گردیده، با ابزارهای و روش‌های غیر مسالمت‌آمیز درصدد رفع معضل برخوانند آمد. بنابراین دولتمردان و سیاستمداران در تنظیم برنامه‌ها و اتخاذ سیاست‌ها، موضوع تعدیل نابرابری را باید به عنوان موضوع مهم و چالش برانگیز در جامعه مورد توجه قرار دهند و تلاش نمایند به صورت نسبی فرصت دستیابی به مزیت‌ها را برای همه افراد جامعه به صورت یکسان فراهم نمایند و نابرابری را در جامعه تحت کنترل خویش درآورند. به عبارت بهتر، برنامه‌ریزان جامعه می‌توانند با اتخاذ راه‌کارهای سیاسی - اقتصادی صحیح، رفته رفته نابرابریها را تعدیل نمایند و تا حدودی آنها را مهار کنند. هرچند رفع صددرصدی نابرابری در جامعه امری محال و غیرممکن می‌باشد. معمولاً زمانی که انسان‌ها خواهان چیزی باشند در جهت بدست آوردن آن تلاش خواهند نمود حال گاهی اوقات این سعی و تلاش در چارچوب قوانین و روال‌های پذیرفته شده می‌باشد که طبیعتاً تمام اعضای جامعه می‌توانند با یکدیگر وارد رقابت شوند و چون براساس قواعد پذیرفته شده با هم رقابت می‌کنند امنیت جامعه دچار آسیب نمی‌شود اما زمانی که فرد یا افرادی به این نتیجه برسند که در چارچوب قواعد پذیرفته شده نمی‌توانند به خواسته‌های خود دست یابند لکن روش‌های دیگری وجود دارد که با استفاده از آنها تحقق اهداف مقدور می‌باشد از آن روش‌ها استفاده می‌کنند و با این اقدام خود یعنی تلاش در جهت بدست آوردن منابع مطلوب برای خود منافع سایر افراد را دچار آسیب می‌نمایند. زیرا میزان کل ارزش‌های موجود در جامعه کمتر از میزان تقاضا برای کسب آنها می‌باشد. به عبارت بهتر میزان کل ارزش‌ها به آن اندازه نیست که هرکس به هر اندازه که مایل است از آنها بهره‌مند شود.

عواملی نظیر فرهنگ و اجرای قاطعانه ضوابط و مقررات در مراحل اولیه از تلاش افراد جامعه برای کسب خواسته‌هایشان با استفاده از روش‌های غیرمشروع جلوگیری می‌نمایند. اما زمانی که قواعد، ضوابط و مقررات حاکم بر جامعه موجب شود تا گروهی از مردم وضعیت راحت و مرفهی داشته باشند و در کنار آنها دسته‌ای دیگر بهره‌ای جز رنج و سختی از زندگی نصیب‌شان نگردد و روز به روز برشکاف بین فقیر و غنی افزوده شود طبیعتاً روزی جامعه به حد انفجار خواهد رسید و نهایتاً زمانی فرا می‌رسد که افراد کمتر برخوردار به وضع موجود اعتراض خواهند نمود و یا دست به اقداماتی خواهند زد تا از نعمت‌ها و امکانات موجود در جامعه بهره‌مند گردند که این قبیل اقدامات نظم حاکم و قاعده‌ی اداره‌ی جامعه را برهم خواهد زد. بنابراین هر اندازه که قوانین، بخش‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها، شیوه‌نامه‌ها، روال‌ها، موافقتنامه‌ها، قواعد و روش‌های اداره جامعه متضمن بهره‌مندی عادلانه‌ی آحاد مردم از ارزش‌ها و منافع موجود در جامعه باشند، احتمال بروز اعتراض، ایجاد شورش، اغتشاش و نیز اقدامات غیرقابل برنامه‌ریزی از سوی آنها کاهش خواهد یافت. به عبارت بهتر ایجاد برابری منطقی و قابل قبول در بین مردم در حقیقت پایه‌گذاری یک جامعه با ثبات و به دور از بی‌نظمی و ناامنی را مقدور می‌سازد. زیرا روش‌های غیرقانونی که از طرف افراد کمتر برخوردار برای جبران عقب ماندگی‌شان مورد استفاده قرار می‌گیرد معمولاً آسیب‌زا هستند

– نابرابری اقتصادی

نابرابری اقتصادی عارضه‌ای است که نتیجه آن تقسیم شدن جامعه به گروه‌های مختلف از نظر میزان بهره‌مندی از امکانات مالی است. این امر سبب می‌گردد؛ افراد دارای وضعیت پایین و نامناسب اقتصادی نسبت به افراد ثروتمند احساس محرومیت نمایند. که این موضوع حاصل بحران در توزیع منابع مادی و اقتصادی است. برای رفع این بحران در ابتدا باید مقررات و روش‌های ایجاد کننده نابرابری اصلاح گردد و نحوه‌ی توزیع ارزش‌های مادی جامعه به نفع طبقات پایین تغییر یابد. افراد ثروتمند برای کسب منفعت از ابزار سرمایه بهره‌مند می‌گردند و افراد طبقات پایین از ابزار کار در این عرصه استفاده می‌نمایند. بنابراین سیاستمداران باید طوری سیاست‌گذاری نمایند که به نیروی کار نسبت به سرمایه بهای بیشتری داده شود، یعنی نسبت به افزایش حقوق و دستمزد افراد و کاهش سود سرمایه‌گذاری‌های کاذب که خارج از عرصه تولید انجام می‌شوند - نظیر خریداری زمین و فروش آن پس از افزایش قیمت- اقدام گردد. در این صورت است که شکاف طبقاتی کاهش می‌یابد و افراد طبقات پایین احساس

محرومیت کمتری نسبت به افراد طبقات بالاتر خواهند نمود بنابراین امنیت اجتماعی در جامعه تقویت خواهد شد. زیرا در صورت عدم وجود تعادل بین وضعیت اقتصادی افراد جامعه امنیت اجتماعی که لازمه زندگی جمعی است به مخاطره خواهد افتاد از جمله این مخاطرات می‌توان به افزایش سرقت، جرم و جنایت در جامعه اشاره کرد زیرا بین فقر، بیکاری و ارتکاب جرم رابطه معناداری وجود دارد.

– نابرابری در جنسیت

نابرابری جنسیتی در خصوص شاخص آموزش و تحصیلات رفته رفته کم شده طوری که می‌توان گفت در حال حاضر از نظر دسترسی افراد جامعه به تحصیلات تا سطح دیپلم به جز نقاط روستایی کم جمعیت که احداث و برپایی برخی مقاطع تحصیلی مقرون به صرفه نمی‌باشد و بنا به برخی دلایل خانواده‌ها از تحصیل فرزندان دختر خود در مدارس شبانه‌روزی جلوگیری می‌نمایند تقریباً هیچ‌گونه نابرابری و تبعیضی وجود ندارد و حتی در خصوص تحصیلات عالی آمار نشان می‌دهد که تعداد دانشجویان دختر دانشگاهها از تعداد دانشجویان پسر بیشتر می‌باشد. در خصوص شاخص اشتغال هرچند به مرور زمان تعداد خانم‌های شاغل افزایش یافته اما هم‌اکنون نیز میزان اشتغال خانم‌ها نسبت به آقایان بسیار کمتر می‌باشد. لکن با عنایت به اینکه خانم‌های غیرشاغل از نظر مالی توسط همسران خود تأمین می‌شوند معمولاً عدم برابری در اشتغال خانم‌ها با آقایان موجب بروز جرم و نامنی گسترده نمی‌شود اما در مواردی که درآمد خانواده کفاف مخارج آن را نمی‌دهد و نیز در مورد زنان بی‌سرپرست و یا بدسرپرست انجام تخلف و جرایم مختلف نظیر سرقت، قاچاق مواد مخدر، اعتیاد، مسائل غیراخلاقی و... مشاهده می‌گردد که این موارد با توجه به نقش زنان در تربیت نسل آینده سهم قابل توجهی در ناامنی اجتماعی دارد.

– نابرابری فضایی

سیاستمداران باید به منظور رفع نابرابری فضایی با اتخاذ برنامه‌های اصولی و رعایت عدالت در توزیع امکانات و اعتبارات، شرایط رفاه نسبی و توزیع برابر فرصت‌ها را در سطح شهر و روستا، بین شهرهای بزرگ و کوچک و همچنین بین مناطق محروم و برخوردار در سطح کلان شهرها فراهم نمایند. در این صورت دیگر ساکنین روستاها، یا شهرهای کوچک و حتی ساکنین مناطق مختلف در شهرهای بزرگ احساس نابرابری محض نخواهند داشت. توزیع نامناسب و نامتعادل امکانات جامعه نظیر آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، اشتغال، درآمد کافی، امکانات تفریحی، آب

بهداشتی، گاز، برق و... و اختصاص این مزایا به برخی از نقاط و عدم برنامه‌ریزی برای بهره‌مندی ساکنین سایر نقاط از این امکانات که به دلیل کمبودها، تنگناها و مشکلات اجرایی می‌باشد معمولاً دونوع واکنش در پی خواهد داشت. واکنش اول این است که ساکنین نقاط فاقد برخورداری، اعتراض خود را به وضع موجود مطرح و ابتدا با استفاده از روش‌های مسالمت‌آمیز و در صورت عدم حصول نتیجه با استفاده از روش‌های خشونت‌آمیز سعی در مجاب نمودن مسئولین برای ارائه خدمات خواهند نمود. واکنش دوم در نقاطی اتفاق می‌افتد که ساکنین آنها آمیدی به دریافت امکانات در زمان مناسب ندارند بنابراین تنها چاره‌ای که باقی می‌ماند مهاجرت می‌باشد. رشد و گسترش ابعاد فیزیکی و اجتماعی در شهرها، تأثیرات قابل توجه و در عین حال اجتناب‌ناپذیری بر زندگی شهری خواهد داشت. این تأثیرات طیف وسیعی از مشکلات و معضلات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و نابسامانی‌های کالبدی-فیزیکی را به دنبال خواهند داشت. سکنی-گزینی غیرمترعارف، ثبات اجتماعی مناطق را به هم ریخته و منجر به ناهمگون شدن جمعیت می‌گردد که تهدیدی برای امنیت اجتماعی محسوب می‌شود. افراد مهاجر که از نقاط محروم به نقاط نسبتاً برخوردار کوچ می‌نمایند معمولاً از عهده‌ی تهیه مسکن و امکانات زندگی بر نمی‌آیند و بنابراین ایجاد و رشد حاشیه‌نشینی و زندگی در خانه‌های فاقد استحکام و آسیب‌پذیر اولین پی-آمد این قبیل مهاجرت‌ها می‌باشد، مهاجرین عمدتاً توانایی فراهم نمودن شغل مناسب برای خود را ندارند و بسیاری از آنها بیکار می‌مانند و بسیاری دیگر در مشاغل کاذب مشغول به کار می‌شوند و چون درآمد آنها برای ادامه زندگی مناسب نیست همواره از نظر تأمین معاش دغدغه دارند. این مشکلات سبب می‌شود تا به دنبال روش‌های دیگری برای تأمین زندگی خود و خانواده باشند. رشد آمار سرقت از منزل، سرقت خودرو، جیب‌بری، افزایش قاچاق کالا و قاچاق مواد مخدر که به دنبال خود رشد اعتیاد و افزایش آمار زندانیان را دارد از معضلات ناشی از مهاجرت می‌باشد. مشکلات دیگری که معمولاً در این‌گونه مراکز جمعیتی دیده می‌شود، مشکلات روحی، روانی، نزاع و درگیری‌های خیابانی افزایش آمار خودکشی، قتل، ایجاد انواع مزاحمت‌ها و ... می‌باشد که جامعه و کوی و برزن را برای زندگی نامناسب می‌نمایند...

منابع فارسی:

کتاب

- ۱- ادیبی، حسین (۱۳۵۴)، جامعه‌شناسی طبقات اجتماعی، تهران، دانشکده علوم اجتماعی و تعاون
- ۲- ازغندی، سیدعلیرضا (۱۳۸۶)، تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران، تهران، سمت
- ۳- افروغ، عماد (۱۳۷۷)، فضا و نابرابری اجتماعی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس
- ۴- (۱۳۸۰)، چالش‌های کنونی ایران، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی
- ۵- امینی، حمیده (۱۳۸۲)، سیر تقسیمات استان قزوین، تهران، وزارت کشور
- ۶- براتی، ناصر (۱۳۸۶)، برنامه توسعه راهبردی شهر قزوین، قزوین، شهرداری
- ۷- پاکزاد، بتول (۱۳۹۰)، تروریسم سایبری تهدید نوین علیه امنیت ملی، تهران، دفتر گسترش تولید علم
- ۸- پناهی، محمد حسین (۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی مشارکت سیاسی زنان، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی
- ۹- رشوند، علی‌اکبر (۱۳۹۰)، بررسی آماری جرایم اجتماعی استان قزوین، قزوین، استانداری
- ۱۰- (۱۳۹۰)، مقدمه‌ای بر سیر تقسیمات کشوری در استان قزوین، قزوین، استانداری
- ۱۱- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۷)، توسعه و تضاد: کوشش در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم
- ۱۲- رویمر، جان‌ای، برابری فرصت (۱۳۸۲)، ترجمه محمد خضری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- ۱۳- رضا فاضل و الهام میری آشتیانی (۱۳۸۷)، آسیب‌های اجتماعی؛ نگاهی به آینده، تهران، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک
- ۱۴- سالنامه آماری کشور (۱۳۸۹)، ریاست جمهوری، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی مرکز آمار ایران، بهمن ۱۳۹۰، تهران، مرکز آمار ایران،
- ۱۵- دی ماه ۱۳۹۰، قزوین، دفتر آمار و اطلاعات- مرکز مهندسی اطلاعات
- ۱۶- فاضل، رضایی و الهام میری آشتیانی، آسیب‌های اجتماعی ایران؛ نگاهی به آینده، تهران، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک

- ۱۷- کاستلز، مانوئل، عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ (قدرت هویت)، (۱۳۸۹)، جلد ۲، ترجمه حسن چاووشیان، تهران: طرح نو
- ۱۸- مرتضی عزتی و محمد علی دهقان (۱۳۸۷)، امنیت اقتصادی در ایران، تهران، مجلس شورای اسلامی، مرکز پژوهش

مقالات

- ۱- جمشید پژویان، رضا طالبلو، نیره سادات قریشی و کتابون جلالیان، پاییز (۱۳۸۷)، مقایسه و تحلیل عملکرد اقتصادی دولت‌های پس از انقلاب اسلامی مجله‌ی راهبرد، شماره ۱۵
- ۲- دوران، بهزاد (۱۳۸۲)، هویت ملی و تعامل در فضای سایبرنتیک، مجله نامه پژوهش، شماره ۶
- ۳- دهقان، حسین، پاییز (۱۳۸۶)، فرصت‌ها و تهدیدها برای آموزش و پرورش در مواجهه با نابرابری فضایی در فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات، مجله تعلیم و تربیت (آموزش و پرورش)، شماره ۹۱
- ۴- شاهشوند، احسان (۱۳۸۷)، معرفی یک مدل کاربردی برای سنجش امنیت انسانی، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی امنیت انسانی در غرب آسیا: دیدگاه‌ها و نقدها، بیرجند، دانشگاه بیرجند
- ۵- شفیعی، جمال، زمستان (۱۳۸۵)، واکاوی امنیت اجتماعی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال اول، شماره ۱
- ۶- شمس قاسمی و سید مرتضی حسینی‌نژاد (۱۳۸۲)، نابرابری درآمدی: اندازه، دلایل اثرات آن در ایران، تهران: مؤسسه‌ی تحقیقاتی تدبیر اقتصاد
- ۷- صالحی، مهدی، زمستان (۱۳۹۰)، تحلیل فضایی نابرابری‌های شهری در استان قزوین، فصلنامه محیط جغرافیایی ناحیه‌ای، سال اول، شماره ۱
- ۸- غرایان‌زند، داوود (۱۳۸۷)، چشم‌انداز امنیت انسانی در خاورمیانه، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۳
- ۹- قاسمی، محمدعلی (۱۳۸۴)، امنیت انسانی: مبانی مفهومی و الزامات راهبردی، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۴
- ۱۰-، تابستان (۱۳۸۵)، الگوهای سنجش و مطالعه‌ی امنیت انسانی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهارم، شماره ۲

- ۱۱- کاووس سید امامی و عبدا... عبدالمطلب، پاییز (۱۳۸۸)، عوامل موثر بر مشارکت شهروندان در انتخابات ریاست جمهوری و مجلس، مطالعه موردی شهر تهران، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال چهارم، شماره ۴
- ۱۲- کلاه‌چیان، محمود (۱۳۸۲)، راهکارهای تحقق امنیت اجتماعی، مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی، تهران: معاونت اجتماعی ناجا
- ۱۳- کینگ، گری (۱۳۸۳)، بازاندیشی در امنیت انسانی، ترجمه: مرتضی بحرانی، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۴
- ۱۴- مرادیان، محسن، بهار (۱۳۸۸)، دستاوردهای سه دهه تلاش، مجله علوم سیاسی، سال دوازدهم، شماره چهل و پنجم
- ۱۵- یزدانی بروجنی، فرشید (۱۳۸۴)، نگاهی به جهانی شدن و نابرابری با تأکید بر ایران، فصلنامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۱۸